

مجبوریت های محترم ح. کرزی و تحفه ۸ مارچ وی قسمت اول

نوشته و موضعگیری های در مورد فیصله (فتوی) مؤرخ ۳ مارچ شورای علمای افغانستان و تائید محترم حامد کرزی و انعکاسات با افاده های افراط و تفریط هموطنان درین مبحث جدا قابل دقت است. اظهارات مبنی بر اینکه چرا علماء و روحانیون ما اول این ویا آن مسأله را اظهار نظر و فتوی نمی دهند؟ چرا اول خود را اصلاح نمی کنند؟ و چرا درین وقت که اولویت های دیگر وجود دارد، به فتوی روی این مسأله میپردازند؟ و چرا مردها را هدایت نمی کنند و همیشه به حقوق زن چسبیده اند؟ بازی سیاسی عقب این که گویا زمینه سازی برای وارد شده طالبان به اریکه قدرت در افغانستان، طالبانیزه شدن نظام و خاصاً در نوشته های فرهنگی عالیقدر خانم فرزانه فارانی تحت عنوان «تحفه حامد کرزی به مناسبت ۸ مارچ» مطالب اند که وادار شدم نیمه نگاهی به این افاده ها و جملات داشته باشم، دید گاه ها و فهم خویش را درین مورد باشما شریک ساخته برای شما امکان انتخاب موضع و نظر داده باشم. در نوشته خانم فرزانه کلمات و اصطلاحات چون: زن ستیزی، تبعیض جنسی، مادرسالاری، پدرسالاری، تکامل جوامع بشری، نقش برجسته زن در طول تاریخ، زن که انسان زاده اوست، و موضع محترم حامد کرزی که از اعلامیه مذکور شورای علماء را دفاع از حقوق زنان میداند، اینکه جدایی زنان و مردان در عرصه های مختلف زندگی روزمره مطالبه شده، جدایی دختران و زنان در محلات کار و تحصیل و اجتناب از سفر بدون محرم شرعی، امضای افغانستان زیر میثاق جهانی «رفع هرگونه تبعیضات علیه زنان - ۱۹۸۰ صورت گرفته و در سال ۲۰۰۳ یکبار دیگر تأکید بر آن شده»، فیصله شرم آور و جنایت کارانه شورای علماء افغانستان، و توافق حترم حامد کرزی: که این «فیصله شورای علماء افغانستان یک دیدگاه شرعی وطن ما است و تمام مسلمانان افغانستان به آن پابند هستیم»، مبارزات تمامی کشورهای ناتو و آمریکا برای مبارزه «علیه تروریسم جهانی» و گسترده شدن نهاد های مختلف مدنی... نقش دولت درین راستا، قانون احوال شخصیه اهل تشیع ۲۰۰۹، مطالبات خانم انگلمارکل صدراعظم جرمنی (مطالبات غرب)، اختلاط زنان و دختران با مردان بیگانه، دوکانداران مذهبی، مشکل خانواده ها و خانم های که شوهران، پدران و برادران بزرگ خویش را به اثر حوادث و وقایع ناگوار کشور از دست داده اند، عصر ۱۴۰۰ سال قبل و شرایط عربستان سعودی و عصر امروز، تساوی پذیرش شهادت دوزن در برابر یک مرد، و اعتماد نسبتاً کمتر به یک زن در برابر یک مرد، اینکه شورای علماء چرا در امور سیاسی و اجتماعی به سطح دولت دخالت میکند؟ عدم فهم این شورا ها از مسایل سیاسی و اصول امروزی، سیکولاریزم، موضع محترم کرزی در برابر تحفه های زرین دیموکراسی جوامع مختلف سیکولار اروپایی و آمریکا و در مقابل از یک گریبان سربیز کردن با باشورای علماء افغانستان، موافقت و مخالفت با اصول هدایات طالبی و منجمله با حقوق زنان و در اخیر خانم فرزانه با طرح این سوال که: «آیا دولتی که از جانیان و بدترین عناصر ضد زن تشکیل یافته میتواند، طور دیگری عمل کند؟» مقاله و نوشته خویش را که بیانگر احساسات داخلی و اعتقادات خود و فهم خودشان از مسایل است، به پایان میرسانند.

تحلیل، بررسی و بازکردن مطالب ذکر شده در فوق و مطالب ناگفته اما از خلال جملات فوق قابل درک این نوشته ها ضرورت به پُر کردن کتاب ها و نوشته بس عریض و طویل رامتقاضی است که اصلاً درین مبحث و حوصله خواننده نمی گنجد. با آن هم میپردازم به باز کردن بخشی عمده بعضی ازین مطالب و مجبورم در بسیار موارد تلگرافی برخورد کنم.

درین راستا بحث اینکه آیا روشنفکر جامعه ما در اندیشه های خویش آنقدر پیشتاز شده که از جامعه تجرید شده و یا هنوز هم واقعی میاندیشد و فاصله بین وی و جامعه دور نیست؟ آیا ما نیک اندیش، بدانندیش ویا واقعیت نیگیریم؟ که باز کردن این بحث ها درین رابطه بذات خود ضروری اما بحث بذات خود بحثهای طویل و عریض اند اولاً ما کی هستیم و از کدام موضع موضوع را به بررسی و تحقیق میگیریم؟
جواب: ما مسلمان، ما افغان، دیموکرات، طالب مراعات حقوق بشر و حاکمیت مردم، روشنفکر و خرد گرا (به کسرخ)

در مورد اینکه این مفاهیم چه معانی و محتوی لغوی و اصطلاحی در اروپا و جامعه ما دارند؟ به نظر من بر علاوه تفاوت های عمده با دید سراسری حتی مواضع متفاوت سلیقوی درین راستا به یقین وجود دارند.

اگر ما افغان و مسلمان ایم: دین مقدس اسلام در تمام ساحات زندگی اصول، قواعد دارند که باید رعایت شوند. اصول صحبت، نوشته و بحث یک مسلمان چنین است که: در حل مسایل باید مراجعه شود به اصول دین مقدس اسلام و منابع اولی که قرآن مجید و سنت نبوی است. همچنان اجماع امت و قیاس دواصل و منبع دی‌گرمنابع شرع است. مرجع قانون گذاری در کشور های اسلامی مبدع و خالق قوانین نیست. بلکه انتخاب کننده رای افضل و مناسب با استفاده از تجارت دیگر کشور های اسلامی بادر نظر داشت اصول و منابع اصلی یعنی قرآن کریم و سنت نبوی است. زمانیکه مسلمان میگوید به فکرم و در آن موضوع شرع صراحت دارد، منظورش باید هما فکر باشد که شرع آنرا تصریح کرده. در صورتیکه از حکم دین در مورد خبر نباشیم بر ماست که به اهل علم، فقها و علمای اسلامی مراجعه شود. کار علمای دینی و مجتهدان است که فتوی و حکم شرعی را به ملت و مردم، جامعه و مسلمانان موجود در کشور روشن سازند و ادای رسالت کنند. اینکه کی عالم و مجتهد و فقیه است و کدام مرجع اصلی و کدام تقلبی و کدام شخص دستار سفید و ریش دراز نماینده و بیانگر دین و کی تاجر آن این بحث خود بحث جداگانه است. اما با یک نگاه گفته می‌توانیم که کاری شورای علماء و اهل خبره باید همین هدایت باشد و رهنمایی در روشنی احکام الهی. بر ماست تا در صورتیکه به حکم یک مسأله دینی نمی‌دانیم به علماء و فقهای دین مراجعه بداریم. نصوص شرعی رهنمایی میکنند که در صورتیکه به حکم چیزی وامری واقف نباشید پس مراجع و سوال کنید اهل ذکر - علماء و فقها - را که برای شما فتوی و حکم شرع را بیان بدارند. بلی این کار علمای دینی و مجتهدان است که فتوی و حکم شرعی را به ملت و مردم، جامعه و مسلمانان موجود در کشور روشن سازند و ادای رسالت کنند.

اگر ما مطرح کنیم که ما افغان هستیم اما مسلمان نیستیم: چرا باید قواعد شرع اسلامی را مراعات کنیم؟ جواب چنین است که در دیموکراسی حاکمیت اکثریت و مراعات حقوق معین اقلیت که در تضاد به حقوق اکثریت قرار نه گیرد. قانون اساسی کشور و دیگر اصول درین راستا به همین منوال روشن اند. اگر قوانین حاکم شرعی را که در جوامع دی‌گر اسلامی هم چنین است مراعات نمی‌کنیم باز مشکل در جای دی‌گر است.

آمدیم به دیموکراسی و نظام دیموکراتیک: اگر نظام دیموکراتیک حاکمیت مردم، توسط مردم و در خدمت، و پرورش ارزشهای مردمی است درین صورت باید به دقت بگویم که هستند موارد که ارزشهای هر جامعه متفاوت اند. اخلاق، روش و کردار اکثریت قریب به اتفاق جامعه ما به اساس اخلاق و روش های دین مقدس اسلام باشد. بلی عالم و روحانی ما باید از ظلم و تعدی و تجاوز و بمب گذاری های کی سبب کشتن انسانهای بی گناه و بمباردمان های کور کر و تقبیح تجاوز بر حریم خانواده و جان انسان و افغان و تقبیح هر عمل منکر و خلاف شوند و ادای رسالت کنند. اما نظام دیموکراتیک و حاکمیت مردم مکلف است که پیروی و تطبیق آن ارزش های را سفارش و عملی بدارند که آن ارزش ها ارزش جامعه و اخلاق اسلامی من است. نیروهای بین و در موارد فرهنگ های گسسته از کنه و مغز جامعه و مسؤولین امور حاکم درده سال اخیر و یا قبل از آن در نظام های متعلق به شوروی سابق و کمونیستی تطبیق و عملی کردن آن ارزشها را برخلاف اصول دیموکراتیک و حاکمیت ارزشهای جامعه کردند که حالا با گذشت سالها و میلیارد ها دالر و پوند و خون بهای هراز ها هراز انسان بی گناه آنرا جمع کرده نمی‌توانند و راه گریز را سراغ ندارند. بلی تحمیل قوانین و روش زندگی با تبدیل کردن پتلون و چادر و لباس و معاشرت های غیر شرعی غیر افغانی ممکن نیست.

بلی این تغییرات که در ارزش و خواهشات عده قرار دارد و ممکن هدف نیک هم داشته باشند به زور تقن‌گ و تانک اجنبی و نیروهای نظامی اجانب عواقب بس ناگوار و خطر ناک غیر قابل تصور را با خود خواهد داشت و دارد که میوه های آنرا اینک درین حد اقل ۳۵ سال اخیر میچینیم

هزاران کشته و معیوب و خانه خرابی و بی عزتی، تجاوز بر نوامیس مردم که حتی موجودیت کشور عزیزمان افغانستان مورد سوال قرار میگیرد و این خطر از خارج و نیرو های موجود ستون پنجم خارجی ها در داخل کشور ما. بلاشک وجود دارد